

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)
سال دوازدهم، شماره ۴۷ پاییز ۱۴۰۲

سیاست‌گذاری امنیتی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اسناد بالادستی

● خلیل سلیمانی ●

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش سیاست‌گذاری عمومی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران

● خسرو مزرعی ●

استادیار علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران (نویسنده مسئول)

● عبدالرضا بای ●

استادیار روابط بین‌الملل، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

چکیده

سیاست‌گذاری امنیتی یکی از مهم‌ترین بحث‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و دلیل آن هم این است که جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان کشوری با موقعیت استراتژیک خاص خود، در دنیای معاصر همواره در معرض انبوهی از تهدیدات در سطوح مختلف قرار داشته است. آنچه بیش از هر چیز دیگر در سیاست‌گذاری امنیتی برای امنیت کشور و مقابله با تهدیدات لازم به نظر می‌رسد توجه به سیاست‌های مقابله با اینگونه تهدیدات در حوزه امنیتی است. هدف از این پژوهش دستیابی به سیاست‌گذاری امنیتی با توجه به اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. پرسش اصلی آن است که سیاست‌گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران با توجه به اسناد بالادستی چه میزان و تا چه درجه‌ای می‌تواند در مواقع بحران و تهدیدات، کارساز و جواب‌گوی مسایل روز باشد؟ روش استفاده در این پژوهش روش کتابخانه‌ای و مطالعه منابع مکتوب در حوزه سیاست‌گذاری امنیتی در اسناد بالادستی می‌باشد که از نوع پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و تحلیل داده‌ها مبتنی بر روش کیفی است. در ادامه این کار پژوهشی برای روشن شدن مطلب، اول به توضیح سیاست‌گذاری امنیتی، امنیت و امنیت ملی، تهدید و اسناد بالادستی پرداخته شد و بعد با توجه به سیاست‌گذاری در اسناد بالادستی از قبیل سند چشم‌انداز و قانون پنجم توسعه، موضوع مورد مذاقه قرار گرفت تا میزان اهمیت و توجه اسناد بالادستی در سیاست‌گذاری امنیتی مشخص شود. نتایج به‌دست آمده از بررسی‌های پژوهش نشان می‌دهد که اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران توجه ویژه‌ای به سیاست‌گذاری امنیتی در همه ابعاد دارند.

کلید واژه‌ها: سیاست‌گذاری، امنیت، اسناد بالادستی، ایران و تهدید ملی

مقدمه

سیاست‌گذاری امنیتی از جمله مقوله‌هایی است که بشر طی تاریخ همواره در پی آن بوده و برای تحصیل آن متحمل هزینه‌های زیادی شده است. علاوه بر آنکه امنیت، نیاز و ضرورت اساسی مردم محسوب می‌شود، بلکه برخی اندیشمندان، فلسفه وجودی و ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت در گذشته و همچنین مهم‌ترین کارکرد دولت‌های ملی در جهان امروز را تأمین امنیت می‌دانند. سیاست‌گذاری امنیتی هنر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مطلوب برای تفوق بر بحران‌های مختل‌کننده امنیت است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران منافع ابر قدرت‌ها با تهدیدهای جدی مواجه شده است که این امر باعث شده جمهوری اسلامی ایران مورد هجوم سلطه‌گران جهانی از جهت‌های مختلف از جمله نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی قرار گیرد. تردیدی نیست که پیشرفت، ترقی و کامیابی در مسیرهای گوناگون نیازمند ثبات و آرامش در سطوح فردی و ساختاری یک جامعه است. به عبارت دیگر رشد و توسعه یک کشور نیازمند یک پیش‌نیاز مهم و فوری بوده و آن چیزی جز امنیت و ثبات نیست (ارغوانی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

سیاست‌گذاری امنیتی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های سیاست‌گذاری عمومی می‌باشد. تمام کشورها در بحث سیاست‌گذاری امنیتی به این مبحث توجه ویژه‌ای کرده‌اند و تأمین آن از اهداف اولیه هر کشور در تمام ادوار بوده است. در دهه‌های اخیر یا به نوعی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاست‌گذاری امنیتی به دلیل تهدیدات داخلی و خارجی که بروز کرده‌اند یکی از مهم‌ترین قسمت‌های مورد توجه نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ امنیت یکی از مباحث محوری در حوزه علم سیاست در هر نظامی است که همواره از ابعاد مختلفی تهدید می‌شود. امنیت پدیده‌ای کیفی است که برحسب درجه‌بندی‌های عمدتاً ذهنی، قابل توصیف است و اغلب آن را نبود تهدیدات و خطرات تعریف می‌کنند.

سیاست‌گذاری امنیتی هنر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مطلوب جهت تفوق بر بحران‌های مختل‌کننده امنیت است. با توجه به پیچیدگی‌های زندگی بشری در دنیای معاصر و درهم تنیدگی ابعاد مختلف جامعه، مطالعات سیاست‌گذاری امنیت ملی در کشور به نگاهی جامع‌تر نیاز دارد و باید از نگاه‌های تنگ‌نظرانه دست کشید تا کشور را از معرض تهدیدات سخت و نرم عبور دهیم. درحالی‌سال‌هایی از انقلاب اسلامی را طی می‌کنیم؛ که در طی این سال‌ها دنیای پیرامونی این نظام مقدس آکنده از آشوب‌ها و بحران‌های مختلف است و آینده پژوهان حوزه امنیت نیز درباره وخیم‌تر

شدن اوضاع هشدار می‌دهند. با اینکه در طول چند دهه گذشته، سیاست‌گذاران و مدیران امنیت ملی کشور توانسته‌اند از سد بحران‌های مختلف بگذرند و کشور را به کشتی ثباتی در منطقه ناآرام و متشنج خاورمیانه بدل کنند باید توجه ویژه‌ای به تهدیدات پیرامونی کشور داشته باشیم و با برنامه‌ای دقیق، آمادگی‌های لازم برای مقابله با آنها را کسب کنیم (بختیاری، صالح‌نیا ۱۳۹۷: ۲۵۶). یکی از مهم‌ترین سیاست‌گذاری‌ها در کشورها، اسناد و قوانین بالادستی می‌باشد که به برنامه‌هایی بلندمدت و میان‌مدت شناخته می‌شوند. اسناد بالادستی و برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت در هر کشور بیانگر خواسته‌ها، اهداف و چشم‌انداز آتی آن کشور از سوی حکومت است که در دوره زمانی معین و بر مبنای مجموعه اقداماتی منظم و سلسله‌مراتبی برای رسیدن به اهدافی مشخص، تدوین شده است. اینگونه برنامه‌ها و اسناد در هر کشور دارای بخش‌های مختلف از جمله اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... می‌باشد (ویسی، ۱۳۹۶: ۹۸).

باتوجه به موارد بیان شده هدف اصلی پژوهش حاضر این است که در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران چقدر به مقوله سیاست‌گذاری امنیتی توجه و تأکید شده است و می‌توان سؤال اصلی این پژوهش را اینگونه بیان کرد: میزان توجه و تأکید اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران به مقوله سیاست‌گذاری امنیتی چه میزان است؟

مبانی نظری تحقیق

سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری شاخه‌ای از علوم سیاسی است که به مطالعه مجموعه اقدامات دولتی می‌پردازد. اقدامات دولت هم به‌عنوان متغیر مستقل و هم به‌عنوان متغیر وابسته می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. به عقیده هولت و همکاران، سیاست‌گذاری به فعالیت‌های حکومت و مقاصدی که برانگیزنده این فعالیت‌ها است اشاره می‌کند. در حوزه سیاست‌گذاری موضوعات متنوعی چون نحوه تدوین مسایل سیاسی، چگونگی تبدیل پدیده‌ها به صورت مسئله‌های سیاستی دولت، نحوه تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات دولتی و ارزیابی عمل دولتی قابل بررسی است (جلیلی و قاسم‌آقا، ۱۳۹۷: ۳).

سیاست، خط‌مشی‌ها و رهنمودهایی است که برای راهنمایی، تفکر و تصمیم و اقدامات مدیران و فرودستان آنها در اجرای راهبرد سازمان تدوین می‌شود (قیصری و خضری: ۱۳۹۵: ۵۹). زمانی که از سیاست‌گذاری سخنی گفته می‌شود، سخن گفتن از یک پدیده ناشناخته نیست، بلکه سخن گفتن از چیزی است که هر روز و هر لحظه درگیر آن هستیم (ملک‌محمدی، ۱۳۹۵: ۱۲). یا به نظر

پاتریس دیوران علوم سیاست‌گذاری با ارجحیت دادن به مطالعه مسایل عمومی است که در درون خود حضور بسیاری از متغیرهای جامعه‌شناسی را همگون می‌کند و خود را به‌عنوان بستر ویژه‌ای در جامعه‌شناسی مطرح می‌کند (اشتریان، ۱۳۹۶: ۱۷). سیاست‌گذاری واژه‌ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسایل عمومی آن گره خورده و تداعی‌کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور عمومی است. (قلی‌پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹: ۲۳). در واقع سیاست‌گذاری گام اول در یک چرخه برنامه‌ریزی است و برنامه‌ریزان قبل از آنکه یک فرآیند را اجرا و ارزیابی کنند باید یک ارزیابی پویا از چگونگی تنظیم سیاست‌ها ارائه دهند (حداد و دمسکی، ۱۳۸۸: ۱۵).

سیاست‌گذاری ماهیت چندبعدی و چندرشته‌ای مسایل را تشخیص می‌دهد و بدین ترتیب مطالعه سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست‌ها به شکلی گریزناپذیر چهره‌ای چند چارچوبی را به خود می‌گیرد. کار تحلیل سیاست‌ها در وهله نخست، فهم آن است که چگونه مسایل و فرآیندها، سیاق‌بندی می‌شوند. انواع تحلیل سیاست‌ها را می‌توان طیف گسترده‌ای از کنش‌ها روی طیفی از آگاهی در فرآیند سیاست‌گذاری، آگاهی برای فرآیند سیاست‌گذاری و آگاهی در مورد فرآیند سیاست‌گذاری دانست (صالح‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱). در واقع سیاست‌گذاری طرح‌ها و برنامه‌هایی است که از طرف حکومت مرکزی گرفته می‌شود برای حفظ منافع عمومی جامعه و به بخش‌های مختلف ابلاغ می‌شود (پوپیس^۱، ۲۰۱۰: ۱۳۴). سیاست‌گذاری ما را به عرصه فعالیت‌های خرد و اداری دولت که نمود عینی‌تری دارد می‌کشاند (اشتریان، ۱۳۹۶: ۱۷). شافریتز و بریک معتقدند که سیاست‌گذاری یعنی عمل کردن یا عمل نکردن یک دولت در امورات؛ سیاست‌گذاری به معنای سلسله اقدام‌ها و تصمیم‌هایی است برای حل چالشی که در صورت عدم رفع آن چالش، بازتاب‌ها و کنش‌های عمومی را به دنبال خواهد داشت یا به نوعی آگاهی هوشمندانه در زمینه انتخاب میان دو راه جایگزین برای اداره جوامع اطلاق می‌شود. پیرمولر سیاست‌گذاری را دولت در عمل می‌دانند و توماس دای سیاست‌گذاری عمومی را آن چیزی می‌داند که حکومت تصمیم می‌گیرد انجام دهد و یا کنار بگذارد (امینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۱).

از دیدگاه برور و دولتون سیاست‌گذاری ایجاد‌کننده زمینه جدید است که در آن می‌توان تغییرات بنیادی در چشم‌انداز، جهت و روش تحقیق را مشاهده کرد و از نظر فیلیپ برو، سیاست‌گذاری تجلی اراده حکومت در عمل می‌باشد (وحید، ۱۳۹۵: ۱۶-۱۵). سیاست‌گذاری مطالعه دولت در عمل

است (همان: ۷) که یافته‌ها و تحلیل‌های رشته‌های عمده علوم اجتماعی نظیر اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فلسفه را در قالب رهیافتی چندرشته‌ای برای تدوین و اجرای بهترین تصمیمات هزینه به کار می‌برد. محیط کثرت‌گرای نهادی و فکری که سیاست‌ها در چارچوب آن شکل می‌گیرد، گریز و گریزهای دولت از پاسخ‌گویی را محدود می‌کند و دولت پاسخ‌گو را مفهومی واجد معنا می‌سازد (همان: ۸).

امنیت

امنیت در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند (آشوری، ۱۳۸۸: ۳۸). به عبارت دیگر امنیت در لغت از ریشه امن به معنای در امان بودن و مصون بودن از هرگونه تعرض و در آرامش و آسودگی بودن از هرگونه تهدید و ترس است (معین، ۱۳۵۳: ۳۴۵). ولی در اصطلاح می‌توان امنیت را به معنای نبود تهدید نظامی برای مملکت و محفوظ نگه داشتن کشور از هجوم دشمنان و یا محافظت کشور از دفع تهدیدات خارجی علیه حیات سیاسی و منافع ملی دانست (شریعتمدار جزائری، ۱۳۸۵: ۷). در کتاب «اطلاعات و امنیت در کتاب و سنت» آمده که واژه امنیت شباهت‌های زیادی با برخی از واژه‌ها دارد و دارای مفهومی متنوع می‌باشد و گسترده بسیار وسیعی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی را شامل می‌شود. با توجه به این امر می‌توان گفت که تعریف کامل و جامع برای اینگونه مفاهیم کار دشواری است (بخشی، ۱۳۹۵: ۲۴).

امنیت از جمله حیاتی‌ترین نیازهای بشری در تمام ادوار تاریخ بوده است که با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستگی دارد و حتی می‌توان گفت به مثابه اکسیژن و هوا برای آحاد اجتماعات بشری می‌باشد که در گفتمان‌های سیاسی کشورها جایگاه ویژه‌ای دارد. دلیل آن هم این است که امنیت منعکس‌کننده توانایی بقا به مثابه واحدهایی مستقل و مشخص در عرصه جهانی است. اکنون برای هیچ انسان عاقلی در ضرورت و اهمیت امنیت و آرامش در جامعه شک و شبهه‌ای وجود ندارد و می‌توان آن را مهم‌ترین سرمایه و شرط برای یک جامعه متمدن و سالم به حساب آورد. تا جایی امنیت مهم و ضروری است که در متون الهی و اسلامی بارها به آن اشاره شده است که حیات بشر بدون امنیت امکان‌پذیر نمی‌باشد (بخشی، ۱۳۹۱: ۲۱).

امنیت و استمرار آن به عنوان هدف و وسیله، از جمله آرزوها و خواسته‌های اصلی آحاد جوامع بشری می‌باشد. عرصه امنیت حوزه‌ای بسیار مهم، پیچیده و حساس است. هر پدیده امنیتی با فرصت‌ها

و تهدیدهای بالقوه قرین می‌باشد. در چنین زمینه‌ای، بازیگران همه در پی کسب خیر و دفع ضرر هستند. مقولات و موضوعات امنیتی امور پیچیده، تودرتو و چند چهره هستند و نمی‌توان برای آنان هویتی شفاف ترسیم کرد. در پهنه مسایل امنیتی نمی‌توان انتظار نتیجه‌ای مشخص داشت و حتی نمی‌توان به بازی بدون خطا و بدون هزینه اندیشید و می‌بایست برای ایفای نقش خود از پیش‌بینی دقیق وقایع و اقدامات پرهیز نمود (افشون و عیدی، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۳۹).

می‌توان گفت مفهوم امنیت زمانی معنی پیدا می‌کند که تهدیدی وجود داشته باشد و تهدید را می‌توان عاملی دانست که کشورها برای مقابله با آن به دنبال امنیت هستند (والت^۱، ۱۹۹۴: ۲۰). امنیت را بر اساس تهدیدات تعریف و تقسیم‌بندی می‌کنند و مفاهیم کلیدی چون بحران‌ها در انواع و اقسام گوناگون، همواره تأثیرات مهمی بر امنیت داشته و دارند. بحران‌ها از دیرباز جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی بوده‌اند و روزبه‌روز بر تعدد و تنوع آنها افزوده می‌شود و دیگر پدیده‌هایی با ویژگی غیر عادی و کمیاب اتفاقی تلخ نمی‌شود. چنانکه بحران‌ها و شورش‌های شهری از معضله‌ها و دغدغه‌های اصلی جوامع در حال گذر می‌باشد و بسیاری از دولت‌ها در طول تاریخ خود همواره با شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی روبه‌رو بوده‌اند. در بسیاری از موارد این وضعیت‌ها بسیار جدی بوده که از رهگذر آن حاکمیت و منافع ملی حیاتی آن دولت‌ها در معرض خطر و تهدید قرار گرفته است (رئسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۶).

درواقع امنیت یکی از مباحث کلیدی در حوزه علوم سیاسی است که همواره در ابعاد مختلفی تهدید می‌شود. تعاریف ارائه شده از امنیت متنوع و متعدد می‌باشد، به گونه‌ای که می‌توان بیش از ۱۸۰ تعریف را برای آن بیان کرد (افتخاری، ۱۳۹۳: ۷۸). امنیت از جمله دیرپاترین آمال بشر و یکی از لوازم شروط بهزیستی و بهروزی تلقی گردیده و از دیدگاه مازلو، ابزار حرکت به سوی خودشکوفایی انسانی محسوب می‌شود به طوری که وی در اولویت‌بندی نیازهای بشر، بلافاصله بعد از نیازهای اولیه مانند هوا، غذا، مسکن، پوشاک و... نیاز به امنیت را جای داده و سایر نیازهای انسانی را علی‌رغم ضرورت غیر قابل انکار آنها در اولویت‌های بعدی آورده است (مرادیان، ۱۳۸۵: ۸۸).

امنیت ملی

مفهوم امنیت ملی به‌رغم قدمت طولانی که در ادبیات روابط بین‌الملل دارد ولی همچنان توسعه

نیافته و حتی مبهم به نظر می‌رسد (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷). امنیت ملی متغیری وابسته است که تکوین آن در کشورها، تابع متغیرهای مختلفی از جمله ارتش، نیروهای انتظامی و امنیتی، ثبات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... می‌باشد (افشون و عیدی، ۱۳۹۴: ۱۴۰). حفظ امنیت ملی، هدف غایی و اساس اقدامات اکثر دولت‌ها، کشورها و واحدهای سیاسی امروز در دنیا می‌باشد. امنیت ملی در قرن بیستم و به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است و حالتی است که ملت فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و یا خاک خود به سر برد (آشوری، ۱۳۸۸: ۳۹).

ماندل معتقد است امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً مسئولیت‌های حکومت‌های ملی این است که از تهدیدهای مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به‌عمل آورند. امنیت ملی به مسئولیت ملی دولت‌ها و توانایی جامعه در جهت کسب و تأمین ایمنی روانی و مادی برای مردم تحت حاکمیت خویش و صیانت از موجودیت فیزیکی، روانی، زیستی، معیشتی، فرهنگی و ارزشی مردم و سرزمین اشاره دارد تا از تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم ناشی از قدرت‌های داخلی و خارجی نسبت به بقای رژیم، ارتقا و بهینه‌سازی آن، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان و در نهایت تضمین منافع ملی ممانعت به‌عمل آورند (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۲). نظر ریچارد کویر این است که امنیت ملی به معنی توان جامعه در حفظ بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های خویش و معنی آزادی از ترس و فقدان خطر جدی از خارج نسبت به منافع حیاتی و اساسی مملکت می‌باشد (امینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۱).

پس مفهوم اصلی امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهاست (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۸). در واقع می‌توان گفت که امنیت ملی، مصون نگه داشتن ارزش‌های حیاتی یک ملت در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعلی است که می‌تواند خاستگاه داخلی و خارجی داشته باشد و یا دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصاد بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فرق از مداخله بیگانه گام بردارد (بشیریه، ۱۳۸۸: ۱).

در کل می‌توان گفت که هر آنچه، به‌صورت عینی یا ذهنی، ارزش‌ها و منافع ملی یک کشور را تهدید کند یا مانعی برای رسیدن کشور به اهدافش باشد تهدید امنیت ملی محسوب می‌شود (بختیاری و صالح‌نیا، ۱۳۹۷: ۲۴۶). در نتیجه می‌توان امنیت ملی را به معانی و پدیده‌هایی از جمله: ۱- حفظ تمامیت

ارضی، حفظ جان مردم، بقا و ادامه سیستم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حاکمیت کشور؛ ۲- حفظ و ارتقای منابع حیاتی کشور؛ ۳- فقدان تهدیدات جدی از خارج نسبت به منافع ملی و حیاتی کشور اطلاق کرد (ابراهیمی و مجیدی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۷۱).

تهدید

تهدید را می‌توان اینگونه تعریف کرد: فرهنگ معین تهدید را ترسانیدن، بیم دادن و بیم کردن معنی کرده است (معین، ۱۳۵۳: ۷۵). در فرهنگ آگسفورد تهدید به معنی امکان به وحشت انداختن، ترساندن و ایجاد یک فاجعه برای یک فرد و یا یک جامعه تعبیر شده است (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۷۸: ۱۰۰). ولی در اصطلاح تهدید عملی است که در یک برهه زمانی با توسل به وسایل خاص، کیفیت زندگی دولت‌ها، شهرها و یا واحدهای خصوصی و غیر دولتی را به خطر انداخته و هدف از آن، از بین بردن یک سیستم یا حکومت مورد نظر می‌باشد و یا به هرگونه نیت، قصد و اقدامی که ثبات و امنیت یک سازمان یا کشور را به خطر اندازد تهدید می‌گویند (کامرانیان، ۱۳۸۷: ۵۰). تهدید مفهومی انتزاعی است که درهم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد. بحث از امنیت و امنیت ملی همواره با موضوع تهدید گره خورده است؛ همچنین نمی‌توان از تهدید صحبت به میان آورد ولی امنیت ملی و تأثیر آن را نادیده گرفت. به دلیل انتزاعی بودن مفهوم تهدید، تعریف تصمیم‌گیرندگان و مردم هر کشور از امنیت ملی، تأثیر از درک آنها از مفهوم تهدید می‌باشد. درک تهدید نیز به وسیله سازمان ادراکی، ادراک می‌شود و بدیهی است ادراک افراد از یک پدیده واحد متفاوت بوده و زمینه تفاوت و سوء برداشت را ایجاد می‌نماید (حسن‌بیگی، ۱۳۸۶: ۱۴). تعریف دقیقی از تهدید به دلیل چندوجهی بودن و ارتباطش با امنیت ملی، منافع ملی، اهداف و راهبرد، پیچیده و مشکل است؛ لذا صاحب‌نظران به تناسب نگرش به تهدید و ادراکشان از آن تعریفی ارائه نموده‌اند (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۳۲).

اسناد بالادستی

تدوین و استقرار اسناد بالادستی تلاش هدفمند برای دستیابی به پیامدها و تأثیرهای مورد انتظار در عرصه حاکمیت است که به منظور نیل به تغییرهای ناملموس، قابل مشاهده و برنامه‌ریزی شده صورت می‌پذیرد. نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور بهره‌گیری از تمام توان و ظرفیت خود و هم‌سویی و هدفمندی کلیه فعالیت‌ها و اقدام‌های بخش‌های مختلف در عرصه‌های گوناگونی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... اسناد و نقشه‌های بالادستی خود را در سطح ملی طراحی و تدوین

کرده است تا ضمن مشخص کردن حوزه عمل، جهت‌گیری همه دستگاه‌ها و سازمان‌های دخیل را باز تعریف کند. به عبارت دیگر می‌توان اینگونه بیان کرد که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مردم‌سالاری دینی بنا نهاده شده و در آن هر تصمیمی با مشارکت و دخالت مردم بوده و عقل جمعی شالوده تصمیم‌گیرها در این نظام است. از این جهت برای پیشبرد اهداف در هر حوزه‌ای که هدف آن سربلندی ملت ایران اسلامی است، نیاز به تهیه برنامه‌ای جامع و کامل است تا هر مسئولی با پذیرش مسئولیت با استناد به این برنامه‌ها اهداف مورد نظر را پیش ببرد. بنابراین برای رسمیت بخشیدن به این برنامه‌ها و الزام اجرایی شدن آنها توسط مسئولان این برنامه‌ها به قوانین لازم‌الاجرا تبدیل می‌شوند تا تخطی از اجرای آن تخلف به شمار رود. در حال حاضر در کشورمان اسناد بالادستی زیادی وجود دارد به طوری که در هر حوزه می‌توان به اسناد بالادستی آن حوزه استناد کرد اما برخی اسناد بالادستی مهمی وجود دارد که با همت مسئولان نظام تهیه شده و اجرای آن ضامن پیشرفت کشور خواهد بود و چه بسا تاکنون این چنین بوده است. اسناد بالادستی بیانگر فضای عمومی حاکم بر جهت‌گیری توسعه آموزش عالی در کشور است. اصولاً توجه به این اسناد در تدوین برنامه‌ها، امری ضروری است و تمامی سازمان‌ها لازم است در راستای پیشبرد اسناد بالادستی مرتبط با خود گام بردارند.

اسناد بالادستی یکی از منابع اصلی تعیین چارچوب‌ها و سیاست‌های کلان نظام به شمار می‌رود که عموماً منشأ تنظیم مقررات عادی و تنظیم سیاست‌های جاری میان‌مدت و بلندمدت کشور قلمداد می‌شوند. منظور از اسناد بالادستی این است که به تصویب بالاترین مراجع قانون‌گذاری کشور رسیده است و جنبه قانونی دارند. این اسناد باید محور برنامه‌ریزی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت کشور به منظور تحقق اهداف توسعه همه‌جانبه قرار گیرد و این امر بیانگر خواسته‌ها، آرزوها و اهداف آن کشور از سوی حکومت است که در دوره زمانی معین و بر مبنای معین و مجموعه اقداماتی منظم و سلسله‌مراتبی برای رسیدن به اهداف معین تدوین شده است. به عبارت دیگر اسنادی هستند که اسناد عادی بر اساس آن شکل می‌گیرند. در کنار اسناد بالادستی اسناد دیگری هم وجود دارد که به این اسناد، اسناد معین گفته می‌شود و این اسناد به این معنی هستند که زمینه تحقق اهداف اسناد فرادستی را تأمین می‌کنند. این اسناد هم سطح اسناد فرادستی نیستند ولی با آن اسناد همسو و هم‌جهت می‌باشند (بنافی و نوروزی، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

درواقع اسناد بالادستی تعیین‌کننده خطوط اصلی و اتخاذ تصمیم‌هایی هستند که برای حفظ منافع عمومی، هماهنگی و انسجام هدف‌های جامعه اعمال می‌شوند. این سیاست‌ها پشتوانه اقدامات

نظام سیاسی به شمار رفته و وسیله‌ای برای تعیین اولویت‌ها و اقدامات بوده و فعالیت جامعه را راهبردی می‌کنند (قادری حاجت و گل کرمی، ۱۳۹۹: ۶۸). جمهوری اسلامی ایران، به منظور ارتقای کشورداری و مدیریت سرزمینی و همچنین ارائه و ارتقای تصویر خود در سطح ملی و بین‌المللی، در سال‌های اخیر، اسناد و نقشه‌های بالادستی را طراحی و تدوین نموده است تا ضمن مشخص کردن حوزه عمل، جهت‌گیری همه دستگاه‌ها و سازمان‌های دخیل را بازتعریف نماید. با شکل‌گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام، پس از بازنگری قانون اساسی، وظایف دیگری بر عهده این نهاد قرار گرفت تا به‌عنوان حلقه تکمیلی در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی و در شرایط مختلف ایفای نقش نماید. با توجه به ملاحظات صورت گرفته، مشخص شد سیاست‌های کلی نظام اسلامی ایران در جهت خاص و معینی تدوین نمی‌شود. از این‌رو، تدوین اسناد بالادستی، نقشه‌های جامع و دیگر سیاست‌های کلان در دستور کار این مجمع قرار گرفت (همان: ۹).

به‌طور کلی می‌توان گفت هر کشوری به منظور ارتقا در تمام بخش‌های داخلی خود و برای پیشرفت و آبادانی، اسناد و نقشه‌های بالادستی متناسب با شرایط داخلی خود طراحی و تدوین نموده است. به‌طورمثال در جمهوری اسلامی ایران می‌توان به قانون اساسی که عالی‌ترین سند بالادستی است اشاره کرد و در رتبه بعدی سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و قوانین برنامه‌های توسعه و... اشاره کرد. داشتن اسناد بالادستی در هر کشوری، از این جهت که رفتار سازمان‌ها و نهادها را قابل پیش‌بینی می‌کند، به برنامه‌ریزان آمادگی فرصت برنامه‌ریزی بسیار دقیق‌تری در زمینه‌های مربوطه می‌دهد و کارآیی و بهبود برنامه‌ها را افزایش می‌دهد. درواقع، با داشتن اسناد بالا دستی و اجرای دقیق و درست آنها، دیگر جامعه یا بنگاه حکم‌گشتی سرگردان در دریای توفان زده را نخواهد داشت و اجبار ندارد خسارت روزمرگی و سعی و خطای کارگزاران اجرایی را تحمل کند. همچنین این‌گونه اسناد ابزار داوری بهتری به‌دست مدیران کلان جامعه، نظام قضایی و مردم می‌دهد تا با آن در مورد مدیران اجرایی موضع‌گیری کنند.

در رابطه با سیاست‌گذاری امنیتی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اسناد بالادستی مقاله‌هایی ارائه شده است که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

در مقاله‌ای با عنوان نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران که توسط گروهی از دانشجویان مطالعات امنیت ملی (۱۳۸۷) دانشگاه عالی دفاع ملی انجام گرفته این را بیان می‌نماید که در تبیین

چارچوب نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران، مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناختی و اصول روش‌شناختی را مورد بحث قرار داده و در ادامه به تحلیل گفتمان‌های امنیتی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. مرجع امنیت، تهدیدات امنیتی، هدف و غایت امنیتی و سیاست‌گذاری امنیتی از جمله موضوعات دیگری است که پژوهشگران این تحقیق آنها را مورد بررسی قرار داده‌اند. در پایان این کار علمی به این نتیجه می‌رسد که به دلیل ویژگی‌های خاص مفهوم و مرجع امنیت در جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات فرهنگی و سیاسی از اهمیت بالاتری برخوردار است و آسیب‌های مهم، تهدیدات مهم و امنیتی تلقی می‌شوند؛ مانند غفلت مسئولان و دنیاپرستی آنان. مدل نهایی نظریه امنیتی این تحقیق شامل مبانی اندیشه‌ای و تفسیری، ارکان تحلیلی امنیت و اصول سیاست‌گذاری همراه با اجزای آنها است.

در کار تحقیقاتی دیگر توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹) در راستای اهداف پژوهشی خود متنی را با عنوان بررسی لایحه پنجم توسعه: فصل هفتم - سیاست‌های دفاعی و امنیتی و سیاسی به عرصه طبع رسانده که با نگاهی آسیب‌شناسانه به واکاوی کاستی‌های رویکرد دفاعی - امنیتی برنامه پنجم و موارد مغفول در این بخش می‌پردازد.

در کار تحقیقاتی دیگر که توسط ارسطو توحیدی، سلیمان طاهری و محسن گودرزی (۱۳۹۶) تحت عنوان بررسی رابطه قدرت با امنیت با رویکرد به مبانی اسلامی تهیه و تدوین شده است، به رابطه قدرت با امنیت پرداخته شده و به داشتن یک رابطه مستحکم و ملموس بین مؤلفه‌های امنیت و قدرت در کشور تأکید شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، بین قدرت و امنیت یک رابطه دوسویه وجود دارد. احساس امنیت موجب افزایش حس قدرت و حس قدرت موجب ازدیاد حس امنیت می‌گردد؛ بنابراین مهار و افزایش قدرت و امنیت در یک کشور می‌تواند به ارتقای جایگاه مردم و افزایش سطح رضایتمندی آنها و در نهایت دفع تهدیدات و رفاه و آسایش جامعه منجر شود تفاوت این کار پژوهشی با کارهای پژوهشی دیگر در آن است که میزان تأثیرگذاری اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران بر مسایل سیاست‌گذاری امنیتی داخلی و خارجی کشور بررسی شود تا به میزان تأثیرگذاری این اسناد در سیاست‌گذاری امنیتی پی برده شود.

پیشینه پژوهش

در زمینه امنیت مقالات داخلی زیادی منتشر شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. مقاله‌ای توسط توحیدی و همکارانش (۱۳۹۶) تحت عنوان «بررسی رابطه قدرت با امنیت با رویکرد به مبانی اسلامی» تدوین شده که در آن، رابطه قدرت با امنیت بررسی گردیده و به داشتن یک رابطه مستحکم و ملموس بین مؤلفه‌های امنیت و قدرت در کشور تأکید شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، بین قدرت و امنیت یک رابطه دوسویه وجود دارد. احساس امنیت موجب افزایش حس قدرت و حس قدرت موجب ازدیاد حس امنیت می‌گردد. بنابراین مهار و افزایش قدرت و امنیت در یک کشور می‌تواند به ارتقای جایگاه مردم و افزایش سطح رضایتمندی آنها و در نهایت دفع تهدیدات و رفاه و آسایش جامعه منجر شود.

کار علمی دیگری که در زمینه سیاست‌گذاری امنیتی انجام شده است نوشتار مهسا ماه‌پیشانیان (۱۳۹۱) می‌باشد که در «مقاله فضای سایبر و شیوه‌های نوین درگیری ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران» به بررسی مشخصات اصلی جنگ سایبری - معتقد است عملیات جدید و سبک نوینی از جنگ است - به‌عنوان یک محیط استراتژیک پرداخته و از طریق بررسی ماهیت اهداف، ابزار و روش‌های حملات در فضای مجازی و نیز نوع واکنش‌های دفاعی مناسب در برابر این حملات را مورد تحلیل قرار داده است. او ذکر می‌کند که در جنگ‌های نوین کنترل و فرماندهی، کم‌تر به جغرافیا و بیش‌تر به فضای شبکه‌های الکترونیک بستگی دارد و معتقد است که جنگ‌های نوین با هدف قرار دادن اختلال، آسیب زدن و یا تغییر آنچه جامعه هدف فکر می‌کند و با تمرکز بر روی افکار عمومی، نخبگان یا هردو به انجام می‌رسد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای و بررسی و مطالعه منابع مکتوب، مقاله‌ها و پایگاه‌های الکترونیکی در حوزه سیاست‌گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در اسناد بالادستی است. طی این مراحل محقق به جمع‌آوری اطلاعات از کتب و مقالات عرضه شده و منابع معتبر علمی که در این زمینه تاکنون به چاپ رسیده‌اند اقدام نموده سپس به بررسی سیاست‌گذاری امنیتی در اسناد بالادستی پرداخته است تا در انتها به یک نتیجه‌گیری منطقی دست یابد. این مقاله جزو پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و از نظر معرفت‌شناسی و جهت‌گیری پژوهش، روش تحلیل داده‌ها در این نوشتار کیفی است. برای رسیدن به هدف اصلی پژوهش با گسستن از

قضاوت‌های شخصی یا پیش فرض‌های ذهنی و نظری، با تکیه بر داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای، پایگاه‌های داده‌های علمی و آرشیو الکترونیکی مجلات سعی شده فهم صحیح و واقع‌بینانه‌ای از موضوع پژوهش ارائه شود. در این پژوهش برای جمع‌آوری مطالب کلیدی به روش زیر اقدام شده است:

- ۱- ابتدا با استفاده از کلید واژه‌های مطرح شده به جمع‌آوری مطالب پرداخته شده است.
- ۲- در مرحله بعد مطالب جمع‌آوری شده مورد غربالگری انجام گرفته و مطالب کلیدی مرتبط با کار پژوهشی آورده شده است.
- ۳- در مرحله آخر بعد از غربالگری مطالب جمع‌آوری شده سعی شده در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده به واکاوی و تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته شود.

یافته‌های پژوهش

سیاست‌گذاری امنیتی در سند چشم‌انداز کشور

سند چشم‌انداز کشور (سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴:۱۳۸۲)، سندی است که برای اولین بار در تاریخ برنامه‌ریزی‌های کلان ایران پس از طی فرآیندی نسبتاً طولانی از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام با به‌کارگیری ده‌ها نفر از خبرگان و کارشناسان تهیه و پس از تصویب در سال ۱۳۸۴ به دولت ابلاغ شد. این سند از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول شامل بیانیه‌ها می‌باشد که در آن تصویری از آینده ایران را نشان می‌دهد و بخش دوم شامل هشت بند اساسی است که ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد مختلف به تصویر می‌کشد؛ این ویژگی‌ها دارای هفتاد مشخصه‌اند که اگر در این میان تفسیری واحد میان دست‌اندرکاران وجود نداشته باشد در سند چشم‌انداز با مشکلات جدید روبه‌رو می‌شویم و پیش بردن آن مشکل می‌شود. این سند اولویت‌های آرمانی و افق‌های جامعه ایران را برای سال ۱۴۰۴ در تمام زمینه‌ها ترسیم می‌کند که این آرمان‌ها در قالب سند چشم‌انداز مبتنی بر آینده‌نگری، واقع‌گرایی و جامع‌نگری است. این سند اهداف متعددی در تمام عرصه‌ها از جمله نظامی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و... در نظر دارد که به بعضی به‌طور صریح و به بعضی دیگر به‌صورت آرمانی اشاره کرده است. در این میان دستیابی به اهداف ترسیم شده در سند چشم‌انداز توسعه در ابعاد نظامی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و... مستلزم به‌کارگیری تمام ظرفیت‌ها و منابع و استفاده بهینه و درست از سرمایه‌ها است. هدف نهایی ترسیم شده در سند چشم‌انداز رسیدن به

سطح مناسب و تعریف شده‌ای از پیشرفت و توسعه است (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۲).

تحلیل محتوای سند اعم از بیانیه و ویژگی‌های چشم‌انداز و انطباق آن با مؤلفه‌های امنیت، شاخص‌هایی را در اختیار قرار می‌دهد که توجه به آنها، مفهوم و جایگاه امنیت را در این سند متجلی می‌سازد. با توجه به رویکرد سند چشم‌انداز می‌توان نوع نگاه به امنیت در این سند و به تبع آن، جایگاه امنیت در آن را مشخص کرد. بررسی مؤلفه‌های سند چشم‌انداز حاکی از توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در حوزه سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر توسعه پایدار و جنبه ایجابی امنیت است. در رویکر ایجابی تلاش می‌شود به امنیت به مثابه مفهومی مستقل نگریسته شود و تحولات نوین اجتماعی و شرایط ذهنی و عینی آن در تبیین امنیت مورد توجه قرار گیرد. در این نگرش امنیت به فقدان تهدید محدود نشده است و علاوه بر آن، وجود شرایط و بسترهای مساعد برای تولید و حفظ امنیت نیز مد نظر قرار می‌گیرد و از این رو امنیت از یک وضعیت به یک تولید اجتماعی تبدیل می‌شود. لذا فقدان تهدید زمانی معنادار می‌شود که یک کشور از توانایی و قدرت مقاومت و پیروزی در جنگ و فراتر از این، از قدرت بازدارندگی یا مقابله به مثل برخوردار باشد؛ به عبارتی دیگر در این رویکرد تأکید بر کسب قدرت و توانایی ملی است؛ لذا کسب قدرت و توانایی در کانون تعریف این رویکرد از امنیت واقع شده و بر این اساس امنیت برای توسعه و رفاه جایگزین تعاریف دیگر می‌شود و گسترش امنیت به جای کسب و حفظ آن اهمیتی خاص می‌یابد. بدین ترتیب، رهایی نسبی از تهدیدها عمدتاً نظامی بیرونی که در تعریف فقدان تهدید مورد تأکید است به توانایی برای رویارویی با هرگونه تهدید بیرونی و آسیب‌پذیری درونی تحول می‌یابد و امنیت هم‌نشین با مفاهیمی چون توسعه، رفاه و مانند آن می‌شود که همگی ناظر بر قدرت و توانایی ملی از یک سو و اقتدار و توانمندی از سوی دیگر هستند (علایی، ۱۳۹۱: ۱۳۶-۱۳۵).

در سند چشم‌انداز (سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴: ۱۳۸۲) برای سیاست‌گذاری امنیتی ابعادی در نظر گرفته شده است که به صورت مختصر به آنها اشاره می‌نماییم:

کشوری امن

منظور از کشور امن در سند چشم‌انداز یعنی ایران باید مستقل و مقتدر باشد. با توجه به اینکه این رویکرد سلبی می‌باشد و ابعاد سیاسی و اجتماعی را دربر می‌گیرد کشوری می‌تواند امن باشد که مردمش در امنیت و آسایش به زندگی پرداخته و نگران تهدیدات خارجی نباشند و این رفع تهدید بستگی به مهارت دولت‌مردان در تعامل با جهان دارد.

جامعه‌ای بهره‌مند از امنیت اجتماعی

در بند اول سند چشم‌انداز آمده است که ایران کشوری است که از امنیت اجتماعی و قضایی بهره‌مند است. این ویژگی دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی و رویکرد ایجابی است. امنیت اجتماعی بدین معنی است که مردم ایران در شیوه زندگی خود آزاد هستند و بدون نگرانی و ناامنی اجتماعی می‌توانند به زندگی بپردازند. امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و... مربوط است.

جامعه‌ای بهره‌مند از امنیت قضایی

امنیت قضایی از مفاهیم کلیدی است که در بند اول سند چشم‌انداز آمده است و بدین معنی می‌باشد که تمام مردم در برابر و مواجهه با قانون یکسان هستند و کسی بر کسی برتری ندارد.

کشوری مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه

بر اساس بند سوم سند چشم‌انداز ایران کشوی مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت است.

کشوری تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای

بر اساس بند هفتم سند چشم‌انداز، ایران کشوی مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی و تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی(ره) است. زمانی ایران می‌تواند چنین نقشی را در جهان اسلام ایفا کند که خود به کشوری امن و پیشرفته در تمام زمینه‌ها تبدیل شود تا ملت‌های اسلامی از آن الگو برداری نمایند و این عامل باعث تقویت سیاست‌گذاری امنیتی در منطقه می‌شود.

جامعه اخلاقی

در بند هفتم این سند آمده است که ایران باید به کشوری با جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی تبدیل شود زیرا در جامعه‌ای که اخلاق در آن حاکم باشد امنیت در همه ابعاد به اوج خود می‌رسد و افراد در آن احساس برادری خواهند کرد.

کشوری دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت

بر مبنای بند هشتم این سند، ایران در افق چشم‌انداز کشوری دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت است. در چارچوب اقتصاد جهانی، بدون داشتن تعاملی سازنده با نظام جهانی نمی‌توان امنیت ملی و رشد درازمدت اقتصادی را تضمین کرد؛ به همین

دلیل در این بند از سند آمده است که با جهان باید ارتباط داشت و در این ارتباط عزت، حکمت و مصلحت کشور پیش شرط اساسی می‌باشد.

جامعه‌ای به دور از فقر

ویژگی چهارم چشم‌انداز، ایران را به کشوری به دور از فقر توصیف می‌کند و معتقد است یکی از عناصر تهدید کننده امنیت فقر مردم است. فقر تهدیدی اساسی برای امنیت کشورها است، زیرا موجب بروز خشونت و گسترش فاصله طبقاتی می‌شود و افراد فقیر را از حوزه سرمایه انسانی خارج و بعضی از آنها را به عوامل ناامن ساز جامعه تبدیل می‌کند.

جامعه‌ای به دور از فساد

یکی از اهداف مهم سند چشم‌انداز ایجاد ساختاری در نظام اداری کشور است که در آن فساد صورت نگیرد زیرا در غیر این صورت فساد باعث ناکارآمدی نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره می‌شود که باعث می‌شود امنیت ملی و اجتماعی با چالشی عمیق مواجه شود.

جامعه‌ای به دور از تبعیض

در بند چهارم این سند یکی از ویژگی‌ها این است که ایران کشوری به دور از تبعیض توصیف شده است؛ و از آنجایی که تبعیض یکی از عوامل تولید کننده ناامنی در جامعه است پس برای نیل به امنیت پایدار نیازمند جامعه‌ای به دور از فقر و فساد و تبعیض می‌باشیم.

پس راه و شیوه رسیدن به یک سیاست‌گذاری امنیتی بر اساس سند چشم‌انداز، قوی شدن جامعه ایران در حوزه‌های گوناگون از جمله سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و... است (علایی، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۳۶)

سیاست‌گذاری امنیتی در قانون برنامه پنجم توسعه

با هدف ترسیم و ایجاد مسیری مشخص در تهیه برنامه پنجم توسعه کشور در سال ۱۳۸۷ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در بخش‌های گوناگون در ۴۵ بند ابلاغ شد که مهم‌ترین خطوط آن در بخش دفاعی و امنیتی به شرح ذیل می‌باشد:

لزوم تقویت و حضور مشارکت مردم

بر اساس بند ۳۶ این برنامه، توسعه این امر به این معنی است که هدف برنامه پنجم، تأکید بر مردمی شدن هرچه بیشتر نهادهای دفاعی و امنیتی است و دلیل آن هم آماده کردن مردم در رویارویی با تهدیدات به‌ویژه در ابعاد خارجی می‌باشد.

اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش ایران در منطقه و نظام بین‌الملل

بر اساس بند ۳۹ این برنامه، علاوه بر وظیفه دستگاه سیاست خارجی در تحقق این سیاست کلی، ابزارهای در نظر گرفته شده در ذیل این مبحث به‌خوبی نشانگر ضرورت تقویت رویکرد جدید امنیتی در قالب دیپلماسی دفاعی می‌باشد. مقابله با افزون‌خواهی و اقدامات متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان و سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید در راستای تأمین عدالت، صلح و تأمین امنیت جهانی شاخص‌های مهم این امر به حساب می‌آید.

تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، فراگیر و تضمین‌کننده اهداف و منافع ملی

بر اساس بند ۴۲ این برنامه، گنجاندن این اصل حاکی از تأکید مجدد بر تبدیل شدن امنیت و ثبات به پیش‌نیاز توسعه و پیشرفت است. ضرورت افزایش نقش مردم در پیشگیری از تحرکات ضد امنیتی، ایجاد سامانه یکپارچه امنیتی - اطلاعاتی و... محورهای مورد تأکید در ارتقای امنیت پایدار است.

ارتقای توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی

افزایش توان دفاعی و بازدارندگی به‌طور سنتی اهدافی چون حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله با تهدیدات خارجی را دنبال می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری با موقعیت والای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک از دیرباز در معرض تهدیدات گوناگون قرار داشته است. این تهدیدات با مراجع بیرونی و درونی علاوه بر هزینه‌های فراوان، مسیر توسعه را نیز در مقاطعی با فراز و فرود مواجه ساخته است. این عامل باعث شده تا در قالب مدیریت یکپارچه فرآیند توسعه، برنامه‌ها و اسنادی تنظیم و تدوین شود که سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کشور را در یک مجموعه کلی منسجم کند و هدف اصلی آن حفظ پیوستگی و مدیریت خطوط کلی توسعه و ارائه نگرشی جامع و مدون به آن است. در همین راستا، همانند سایر کشورها مراجع ذی‌ربط به تدوین اسنادی همچون سند چشم‌انداز بیست ساله و مجموعه برنامه‌های پنج ساله توسعه مبادرت کرده‌اند تا ضمن مشخص کردن خطوط کلی، اولویت‌ها مد نظر قرار گیرد (ارغوانی پیر سلامی، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۱۱۷).

قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌گذاری امنیتی

در راستای اجرایی‌سازی اهداف سند چشم‌انداز توسعه کشور و به کارگیری سیاست‌های کلی

برنامه پنجم، قانون برنامه پنجم توسعه با طول زمانی پنج ساله (۱۳۹۴-۱۳۹۰) بعد از تهیه و تدوین توسط قوه مجریه در تاریخ پانزدهم دی ماه سال ۱۳۸۹ در قالب ۹ فصل و ۲۳۴ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این برنامه سیاست دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قالب فصل هفتم و مواد ۱۹۵ تا ۲۰۹ گنجانده شده است و با توجه به اینکه بحث ما فقط سیاست‌گذاری امنیتی است خطوط و اصول کلی سیاست‌گذاری امنیتی در آن برنامه به شرح ذیل مورد مذاقه قرار می‌گیرد:

سیاست‌گذاری امنیتی

درنوردیده شدن مرزها و افزایش فرآیند ارتباطات جهانی افزون بر پیامدها و شاخص‌های مثبت و سودمند برای بشر مهم‌ترین آثار خود را بر حوزه‌های دفاعی و امنیتی جوامع نهاده است. با وجود این پیشرفت، برای کشورها در این زمینه واجد مزایا بوده و باعث افزایش مبادلات و ارتباطات آنها در حوزه‌های گوناگون شده است. با این حال تأکید دولت‌ها بر حاکمیت و شاخص‌های بومی باعث شده تا حفظ امنیت و دفع تهدید همچنان از نظر اولویت‌بندی در صدر اولویت‌ها قرار گیرد. از طرف دیگر با ظهور فرآیندهایی مانند جهانی شدن تفاوت‌ها و تمایزهای جدی میان مراجع تهدید در داخل و خارج از جوامع را از بین برده است. با در نظر گرفتن این محورها و نیز ضرورت درک و انطباق‌پذیری با الزامات دفاعی و امنیتی در عصر جدید و پاسخ‌گویی به منویات اسنادی همچون سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلان برنامه پنجم، قانون پنجم توسعه در مقیاسی پیشرفته‌تر مباحث امنیتی، شیوه و ابزارهای مقابله با آنها را مورد توجه قرار داده است. با مطالعه بخش امنیتی این برنامه می‌توان به این امر مهم پی برد که سیاست‌های امنیتی با مراجع درونی ثبات لازم و توسعه پایدار را به دست می‌آورد و از طرف دیگر مسایل امنیتی و دفاعی جزء جدایی‌ناپذیر از همدیگر هستند تا حدی که موفقیت در زمینه سیاست‌گذاری امنیتی می‌تواند زمینه‌های یک دیپلماسی دفاعی موفق را فراهم کند و بالعکس، وجه مقابل آن نیز قابل تصور است. براین اساس مهم‌ترین شاخص‌های سیاست‌گذاری امنیتی مطرح شده در قانون پنجم توسعه به شرح ذیل احصا می‌شود:

امنیت پایدار در مناطق مرزی

جایگاه و موقعیت ژئوپلیتیک ایران از دیر باز به صورت یک شمشیر دو لبه برای نظام سیاسی حاکم بوده است و در صورت استفاده صحیح و بهره‌برداری مناسب می‌تواند به یک فرصت فوق‌العاده تبدیل شود. از سوی دیگر اگر از این موقعیت حساس استفاده صحیح و مناسب نشود می‌تواند به یک

تهدید جدی تبدیل شود. این موقعیت‌های استراتژیک باعث شده که کشور ما و کشورهای حوزه خلیج فارس، آسیای مرکزی، اورآسیا، خاورمیانه عربی و خط ارتباطی مستقیم این مناطق عظیم ثروتمند از طریق ترکیه با اروپاییان باعث شده مرزهای ایران از شمال خلیج فارس تا شمال جغرافیایی همواره توسط دول استکباری مورد تهدید قرار گیرد.

قانون پنجم توسعه با اذعان به اهمیت مناطق مرزی و ثبات آنها در فرآیند توسعه کشور در راستای تأمین امنیت پایدار و کنترل مؤثر مرزها در اقدامی مبتکرانه خواستار تهیه طرح جامع امنیت پایدار مناطق مرزی از طریق مساعی و تلاش نهادهای ذی‌ربط شده است. از دید قانون پنجم توسعه این طرح جامع بایستی شامل کنترل، مدیریت، حریم امنیتی، اقدامات عمرانی، انسدادی، اطلاعاتی، علمی، تجهیزاتی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، تقویت مرزبانی، به‌کارگیری بسیج و نیروی مردمی باشد با توجه به این قانون می‌توان در بحث امنیت به دو ویژگی مهم دست یافت که به شرح ذیل مطرح می‌شود:

ویژگی اول این را بیان می‌کند که در زمان بروز بحران باید به دنبال علل ناامنی باشیم. این یعنی اینکه قانون مطلع است که تهدید در مرزها مرجع خارجی دارد اما نابسامانی‌های داخلی در مرزها هم می‌تواند عامل اصلی تهدیدات در مرزها باشد مانند تقسیم ناعادلانه نظام مرکزی.

دومین ویژگی مهم این طرح افزایش توجه کشورهای همسایه است. از آنجایی که ماده ۲۰۳ و ۲۰۴ این برنامه بر این اساس است که کنترل مرزها با توسعه مناطق بومی آنجا تقویت شود ولی ماده ۲۰۴ در بخش دیگر این را بیان می‌کند که همسایه‌گاه شرقی و تا حدی عراق که باعث ناامنی و تهدیداتی از قبیل قاچاق کالا و مواد و تروریسم بوده‌اند بایستی با مراودات اقتصادی و اجتماعی این تهدیدات را به فرصت تبدیل کنند.

مقابله با تهدیدات اطلاعاتی

با گسترش خطوط انتقال اطلاعات، کارکردهای نهادهای رسمی و حفظ امنیت این خطوط کار بسیار مهمی تلقی می‌شود زیرا هرگونه تهدید در این زمینه می‌تواند امنیت کشور را به صورت مستقیم و غیرمستقیم در معرض تهدید قرار دهد. بر همین دلیل بر اساس مواد ۲۰۵ و ۲۰۶ قانون برنامه پنجم توسعه، تقویت تعامل با جامعه اطلاعاتی و پیشگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم امنیتی و اطلاعاتی مرتبط با دفاع از حاکمیت و منافع ملی دانسته شده و توجه به این امر بسیار مهم و حساس تلقی می‌شود.

امنیت در فضای سایبر

تأمین امنیت در حوزه‌های عمومی جهانی پیوند تنگاتنگی با تهدیدات اطلاعاتی دارد و به‌طور کلی فضای سایبر از دو جهت با فرآیند امنیتی مرتبط است؛ اول اینکه با تبدیل شدن به مخازن و مراجع اطلاعاتی کشور و دوم افزایش ارتباط مراجع تهدید بیرونی با مراجع درونی و در نتیجه عملکرد به مثابه ابزار تهدید با جنگ نرم. با این حال در چند سال گذشته و هم‌زمان با تقویت جایگاه دولت الکترونیک در جمهوری اسلامی ایران ضرورت اتخاذ تدابیر علمی و مداوم و نه قطعی ایجاب کرده تا علاوه بر قانون مد نظر دستگاه‌های قضایی، برنامه جامع و کلانی برای مدیریت این حوزه در سطح دفاعی و امنیتی در نظر گرفته شود. به همین منظور قانون پنجم توسعه علاوه بر بخش اطلاعاتی در ذیل ماده ۱۹۶ (بند ه) پشتیبانی و کمک به مقابله با جنگ نرم در حوزه‌های مختلف یا اولویت حضور فزاینده در فضای مجازی و سایبری را مد نظر قرار داده و با افزودن و تقویت رویکرد بومی در این زمینه به دنبال بهره‌گیری از آن در راستای منافع ملی کشور بوده است (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۲۵).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

وجود اسناد بالادستی در اداره و حکمرانی نظام سیاسی یک کشور نمی‌تواند متضمن اجرایی شدن طرح‌ها و نیل به اهداف باشد. بنابراین حکومت و دولت تلاش می‌کنند در بحث امنیت بنا به درک خود از تهدیدها در تمام زمینه‌ها با پیش‌بینی اسناد و قوانین جدید فراتر از قانون اساسی مانند اسناد بالادستی، دیگر قوانین و دستورالعمل‌هایی را تهیه کنند تا امورات کشور و روند توسعه‌ای آن در مدار برنامه‌ریزی و آینده‌نگری حرکت کند. در اسناد بالادستی از جنبه‌ها و ابعاد مختلفی بحث سیاست‌گذاری امنیتی مورد توجه و بررسی قرار گرفته و بر همین اساس در ده‌ها بند و ماده قانونی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به سیاست‌گذاری امنیتی پرداخته شده که در سیر مقاله به آنها اشاره شده است.

هدف اصلی از سیاست‌گذاری امنیتی با توجه به اسناد بالادستی، یعنی اینکه به قدرت اصلی در منطقه تبدیل شویم تا بتوانیم در برابر تهدیدات اقدامات اثرگذاری نشان دهیم به گونه‌ای که آن تهدیدها به فرصت‌های قابل توجهی بدل شوند. در زمینه سیاست‌گذاری امنیتی و اهمیت این مورد مهم باید به این امر اشاره کرد که با توجه به موقعیت حساس ایران در منطقه و محیط متحول امنیتی خاورمیانه، جمهوری اسلامی باید در زمینه سیاست‌گذاری چنان سنجیده عمل کند تا بتواند در این

منطقه ناآرام به‌عنوان یک بازیگر مهم در کنار قدرت‌های برزگ ایفای نقش کند و برای این ایفای نقش نیازمند یک سیاست‌گذاری امنیتی سنجیده است و این امر هم با توجه به اسناد اصیلی که در کشور وجود دارد میسر می‌شود؛ اسنادی که برگرفته از توانمندی‌های داخلی است. اسناد بالادستی که در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد برنامه‌ای راهبردی هستند برای توسعه سیاست‌گذاری امنیتی و دفاعی در کشور. از طرفی سیاست‌گذاری امنیتی پیش‌شرط دیگر پیشرفت‌ها در کشور محسوب می‌شود و از طرف دیگر با سیاست‌گذاری امنیتی سنجیده شده می‌توان به جایگاه اول منطقه رسید. با توجه به مطالبی که در متن این کار پژوهشی بیان شده در اسناد بالادستی سیاست‌گذاری امنیتی در جمهوری اسلامی ایران عمدتاً متکی بر توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی ایران طراحی شده است و متناسب با شرایط داخلی می‌باشد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، اسناد متنوعی در خصوص مقوله سیاست‌گذاری امنیتی اعم از قوانین خاص مربوط به نیروهای مسلح تا قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی ابلاغی و سیاست‌ها و قوانین برنامه پنج‌ساله توسعه در مقولات و موضوعات سیاست‌گذاری امنیتی وجود دارد. جایگاه هر سند در سلسله مراتب اسناد بالادستی بیانگر موقعیت سیاست‌ها از سطح کلان تا سطح اجرایی آنهاست.

با مطالبی که در متن مقاله بیان شده است می‌توان به این نتیجه رسید که یک سیاست‌گذاری پایدار امنیتی در گرو مسایل ذیل می‌باشد:

- ۱- توجه به تهدیدات روزآمد
- ۲- تصویب قوانین کارآمد توسط مجلس شورای اسلامی در قالب طرح‌ها و لوایح
- ۳- ارتباط بیشتر مراکز تحقیقات دفاعی - امنیتی با دانشگاه‌ها و مراکز تولید علم و بهره‌گیر ایده‌های نو و خلاقانه افراد متخصص و صاحب نظر
- ۴- فرهنگ‌سازی برای مقوله مربوط به سیاست دفاعی در تفکر عمومی جامعه.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۶)، سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: انتشارات بنیاد حقوق میزان
۲. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۱)، سیاست دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه. مجله سیاست دفاعی، شماره ۷۸، سال ۲۰.
۳. امینی، محمدتقی و دیگران (۱۳۹۱)، طراحی الگوی جامع سیاست‌گذاری قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، نشریه علمی - پژوهشی مدیریت فردا، شماره ۳۱، سال ۱۱.
۴. افشون، مهرداد علی عبدی (۱۳۹۴)، تهدیدات امنیتی (نیمه سخت) فراروی استان خوزستان، فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش‌های سیاسی، شماره ۱۳، سال ۵.
۵. ابراهیمی، شهروز و سیدعلی مجیدی‌نژاد (۱۳۹۵)، تبیین تهدیدات امنیتی توافق‌نامه مشارکت استراتژیک آمریکا - افغانستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۵، سال ۱۳.
۶. آشوری، داریوش (۱۳۸۸)، دانشنامه علوم سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
۷. افتخاری، اصغر (۱۳۹۳)، تحلیل الگوی تعامل آزادی و امنیت. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۸، سال ۲.
۸. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و اهداف سند چشم‌انداز توسعه ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش، ارائه شده در همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۹. بخشی، عبدالله (۱۳۹۱)، امنیت در کتاب و سنت، تهران: نشریه اطلاعات و امنیت.
۱۰. (۱۳۹۵)، اطلاعات و امنیت در کتاب و سنت، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
۱۱. بختیاری، حسین و علی صالح‌نیا (۱۳۹۷)، اولویت‌بندی تهدیدات امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی ((AHP. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۲۷، سال ۸.
۱۲. بشیریه، حسین (۱۳۸۸)، بررسی امنیت از تئوری تا عمل، تهران: انتشارات میزان.
۱۳. بنافی، مسعود و محمد نوروزی (۱۳۹۲)، تحلیل آسیب شناسانه از ترجمان اسناد بالادستی

- جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌های عملیاتی: ملاحظات سیاسی. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، شماره ۴، سال ۱۸.
۱۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی: رهیافت‌ها و راهبردها، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۵. جلیلی، امید (۱۳۹۷)، سیاست‌گذاری: مفاهیم، الگوها و فرآیندها. مجله علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. شماره ۴، سال ۲.
۱۶. حداد، وادی و تری دمسکی (۱۳۸۸)، فرآیند برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش (یک چارچوب کاربردی)، مترجمان: غلامرضا گرانی‌نژاد و رخساره کاظم، تهران: انتشارات مدرسه.
۱۷. حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۸۶)، رویکرد مقابله با تهدید نرم علیه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۸۸.
۱۸. رئیسی، محمد و دیگران (۱۳۹۸)، آسیب‌شناسی بحران‌های اجتماعی و الزامات سیاست‌گذاری امنیتی در پیشگیری از آن، فصلنامه علمی امنیت ملی، شماره ۳۲، سال ۹.
۱۹. روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، (۱۳۸۲)، تهران.
۲۱. شریعتمدار جزایری، نورالدین (۱۳۸۵)، امنیت در فقه سیاسی شیعه، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۴، سال ۱.
۲۲. صالح‌نژاد، حسن (۱۳۹۴)، مروری بر سیاست‌گذاری عمومی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۳. علایی، حسین (۱۳۹۱)، امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۱۵.
۲۴. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶)، تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)، تهران: ابرامعاصر تهران.
۲۵. قلی‌پور، رحمت‌الله و ابراهیم غلام‌پور آهنگر (۱۳۸۹)، فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: انتشارات مرکز پژوهش مجلس شورای اسلامی.
۲۶. قیصری، نورالله و احسان خضری (۱۳۹۵)، سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران: بررسی اسناد کلان، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۷، سال ۱۰.
۲۷. قادری حاجت، مصطفی و عابد گل‌کرمی (۱۳۹۹)، بررسی و تحلیل نگرش ژئوپلیتیکی اسناد بالادستی آمایش سرزمین ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲، سال ۱۶.

۲۸. کامرانیان، عباسعلی (۱۳۸۷)، جنگ نرم: بررسی توطئه شیاطین علیه امت اسلامی، قم: انتشارات نور قرآن و اهل بیت (ع).
۲۹. گروه مطالعات امنیت (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی شاخص‌ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۳۰. ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۵)، مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات سمت.
۳۱. معین، محمد (۱۳۵۳)، فرهنگ لغات معین، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۲. مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، ابعاد و مظاهر، تهران: مرکز آموزش و پژوهش شهید سپهبد صیاد شیرازی.
۳۳. ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغییر امنیت ملی، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۴. وحید، مجید (۱۳۹۵)، سیاست‌گذاری عمومی، تهران: نشر میزان.
۳۵. ویسی، هادی (۱۳۹۶)، بررسی سیاست‌گذاری صنعت گردشگری در قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۲۵، سال ۷.

منابع لاتین

1. Puppis, M. (2010), Media Governance: A New Concept for the Analysis of Media Policy and Regulation. *Communication, Culture & Critique*, 3: 134-149.
2. Walt, S. M. (1994). Alliance Formation and the Balance of World Power. *International Security*, 9(4), 3-43.